



سخی صمیم

رأفت قضائی

معنای لغوی رأفت: مهربانی کردن، مهربان شدن و شفقت را گویند. اما رأفت قضائی با داشتن مفاهیم فوق نوعی از (مهربانی و شفقت قانونی قضات حین بررسی جرایم جنائی و مرتکبین آن است) که در موارد خاص می توانند آن را اعمال نمایند. بکار بستن چنین رأفت در حقیقت صلاحیتست که قانون برای قضات اعطا کرده است. و این صلاحیت قانونی را که از مهربانی و شفقت قاضی در ارتباط به جرم و مجرم ناشی میشود بنام رأفت قضائی یاد می کنند.

موجودیت حالات رأفت بر خلاف حالات مخففة قضائی در قانون تذکار نیافته ولی استنتاج چنین حالات به دید قاضی مفوض بوده که قاضی می تواند آن را حین بررسی قضایا از حالات جرم واقع شده و چگونگی حال و احوال مجرم دریابد یا هم استنتاج و استخراج نماید. بگونه مثال: زمانیکه مردی از فرط گرسنگی خود و اعضای فامیلش دست به سرقت مواد خوراکی می برد و آن را قوت لایموت اولاد می سازد. بی گفت و گو با آن سارق اولی معه جرم ارتکابی آن با خوشگذرانی و یا ذخیره مال و دارائی بوقوع می پیوندد فرق فاحشی دارد. اگر آن سارق اولی معه جرم ارتکابی آن با در نظر داشت کمیت و کیفیت جرم و حالت اسفبار زندگی فامیلی و بالاخره گرسنگی اولادش که انگیزه آفرین عمل جرمی گردیده است طرف ترحم قاضی قرار گیرد و به آن مهر ورزد و جزای آن را به نحویکه قانون تجویز کرده است به اتکای رأفت قضائی تخفیف دهد. بیگمانم کار بیجا نکرده است. درینصورت است که قاضی لباس قانون بتن دارد و بسته قانون پیشروی.

بیابید مثال دیگری بزینم: فامیلیکه توسط یک تکسی مصارف زندگی خود را تأمین میکند. از قضا بر اثر نا رسائی تخنیکی و یا اشتباه غیر عمدی گرفتار حادثه ترافیکی شده موجب قتل میگردد و به آن نان آور خانه پرونده ای ترتیب و نامبرده روانه زندان میشود و منسوبین خانه بی سرپرست. در خانه اولاد ها و در زندان درپور گرسنه میماند. ولی در آنسوی شهر مرد مستیکه از غلیان و غرور مستی اتو موبیل سپورتنی می دواند و رفتارش به کنترول قانون و نظام جامعه نیست انسان دیگری را بکام مرک می کشد و خود هم با لبخند و تبسمی تشویشی بخود راه نمی دهد. (این چنین بینی و آن چنان. این دو قضیه را بایست باهم مقایسه کرد).

قاضی اگر در قضیه اولی با رؤیت حال و احوال جرم و مجرم و نحوه وقوع جرم که به شکل سهوی و با اراده عدم قصد بوقوع پیوسته و با در نظر داشت عوارض تخنیکی ماشین که از اراده راننده خارج و قابل پیش بینی نبوده است، حالت غربت و بیچارگی، حالت فعلی و آینده اعضای فامیل، تربیه و سرپرستی اولاد های راننده و قضیه را بررسی کند این همه حالات را میتوان حالاتی دانست که برآن حکم قانون (حالات رأفت) محقق است زیرا دیده میشود که درین قضیه آن درپور فلک زده اولی بعد از وقوع جرم به چه سرنوشتی دچار شده در حالیکه جرم هم خارج از اراده او بوقوع پیوسته است. اینجاست که قاضی می تواند از صلاحیت ذکر شده قانونی (رأفت قضائی) استفاده جایز نموده و آن را بکار برد درینصورت قاضی کار بیجائی نکرده است.

ولی نبایست به آن مجرم بی اعتنای دومی چشم رأفت باز شود و ترحمی بکار رود که زمینه ساز عدم عبرت باشد - بلکه واجب است به آن سرکش قانون عوض رأفت قضائی غضب قضائی را مطابق امرآن که تشدید مجازات زندان و شیون زولانه است روا دید و حالت عدالت جزائی را رعایت نمود. نه رأفت.

پس قاضی با تحقق و موجودیت حالات بر جسته شده و امثالهم که حالات رآفت دران هویدا باشد میتواند برای جرم و مجرم ازین صلاحیت قانونی استفاده و کمک قضائی و قانونی نماید.

می بینیم هدایت و احکام قانون در موجودیت حالات متذکره برای محکمه ذیصلاح چه نوع صلاحیتی داده است؟ کود جزای افغانستان هدایت زیرین را صادر کرده است:

هرگاه محکمه در خلال رسیدگی به دعوی دریابد که اوضاع و احوال جرم و مجرم در جنایت ارتکاب شده ایجاب رآفت می نماید می تواند جزا های پیش بینی شده جنایت را به نحو آتی تغییر دهد:
۱ - جزای اعدام به حبس دوام یا حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد.
۲ - جزای حبس طویل به حبس متوسط یا قصیریکه از شش ماه کمتر نباشد.

هرگاه محکمه در خلال رسیدگی به دعوی در یابد که اوضاع و احوال جرم و مجرم در جنحه ارتکاب شده ایجاب رآفت می نماید جزای آن به به نحو آتی تخفیف می یابد:

- ۱ - اگر جزای پیش بینی شده حد اقل داشته باشد محکمه در تعیین جزا به آن مقید شده نمی تواند.
- ۲ - اگر جزای پیش بینی شده شامل حبس و جزای نقدی هر دو باشد محکمه می تواند به یکی از آن حکم نماید.
- ۳ - اگر حد اقل جزا در قانون تعیین نشده باشد محکمه می تواند به جزای نقدی حکم نماید.

چون در ارتکاب و موجودیت جرایم - ایجاد و چگونگی وقوع جرم ' مجرمین و مرتکبین آن حالات مختلفی وجود دارد که در بسا از جرایم میشود معاذیری وجود داشته باشد که مسبب تیرئه از جزا گردیده و یا حالاتی بوجود آید که سبب تخفیف جزا گردد.
مباحث جالب است: در صورت اغتنام فرصت طور جداگانه به ارتباط آن خواهم نوشت.

از قلم سخی صمیم

یاد داشت: مآخذ و منبع نبشته های ناچیزم قوانین کیفری و مدنی میهنم است.